

مقایسه ارزش‌های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران شهرهای لار و جهرم

علی اصغر مقدس*

دانشیار دانشگاه شیراز

فاطمه نوروزی

مربی دانشگاه پیام نور تهران

چکیده

با توجه به دگرگونی‌های فرایند جهانی شدن، نسل‌های مختلف (والدین و فرزندان) دچار تنش و چالش‌های مختلف شده‌اند. در این بررسی از روش پیمایش استفاده شد. ارزش‌های مذهبی افراد در سه بعد (بعد جمعی رفتار مذهبی، بعد فردی رفتار مذهبی و اعتقادات) شاخص‌سازی شد و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای ۱۰۶۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی و مادران آن‌ها در شهرهای لار و جهرم به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد که عامل اجتماعی شدن در خانواده (ارزش‌های مذهبی مادر) نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین ارزش‌های مذهبی دختران خود ایفا می‌کند. در کل دختران جهرمی مذهبی‌تر از دختران لاری بودند. بیشترین تفاوت میان مادران و دختران آن‌ها در بعد جمعی رفتارهای مذهبی نمود می‌یابد و در لار تفاوت مادران و دختران در ارزش‌های مذهبی بیشتر است. در زمینه اعتقادات تفاوتی میان مادران و دختران آن‌ها وجود نداشت، ولی در کل مادران مذهبی‌تر از دختران بودند. در مدل نهایی جهرم دو عامل بعد جمعی رفتار مذهبی و سطح اعتقادات مادر بیشترین قدرت پیش‌بینی را داشت و در لار بعد جمعی رفتار مذهبی مادر و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ارزش‌های مذهبی دختران بود.

واژگان کلیدی

شکاف نسلی، ابعاد ارزش‌های مذهبی، اعتقادات، دختران و مادران، شهرهای لار و جهرم

مقدمه

بیان مسأله: خانواده ضمن به عهده داشتن کارها و وظایف خاص همواره در جوامع بشری اهمیتی ویژه داشته و از حمایت و پشتیبانی ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی و مذهبی برخوردار بوده است (مقدس جعفری و یعقوبی چوبری، ۱۳۸۵: ۸۹). در این میان زنان و به‌خصوص مادران دارای نقش تعیین‌کننده‌ای در خانواده هستند و نظارت اخلاقی بر فرزندان، به ویژه دختران دارند (احمدی و شقایق، ۱۳۸۳: ۶۹). خانواده‌هایی که ما امروزه با آن‌ها سر و کار داریم، در معرض تغییر و تحولات شدید و جهانی شدن قرار دارند. گیدنز عنوان می‌کند که امروزه نخستین مراحل اجتماعی شدن کودکان، بیش از پیش به توصیه‌ها و دستورالعمل‌های کارشناسان وابستگی پیدا می‌کند و به میزان فرایندهای از تعالیم سنتی و بی‌واسطه نسل پیشین فاصله می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۸). آیا در جامعه در حال تحول ایران نیز چنین است؟ در دیگر سو تضعیف کارکرد دین در یک جامعه خطری جدی است. چون دین از مهمترین عواملی است که می‌تواند به یک جامعه معنی و فلسفه زندگی بدهد. لاکمن بر این باور است که کارکرد بنیادی هر نهادی، فراهم آوردن دسته‌ای از معانی آماده برای درک جهان و فراهم آوردن مشروعیت برای این معانی است. به ویژه دین که با ارائه مجموعه معانی غایی، سپری در مقابل شک‌ها، هراس‌ها، و پرسش‌ها در مورد معنای نهائی جهان فراهم می‌آورد (لاکمن، ۱۹۹۱). از طرف دیگر دین می‌تواند نقش بازدارنده کج‌رفتاری‌ها و بزهکاری شود. به قول رفیع پور مهمترین عامل بازدارنده از انحرافات سیستم کنترل درونی انسان‌هاست و دین و مذهب مهمترین سیستم کنترل درونی است (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

تغییرات به وقوع پیوسته در طی دهه‌های اخیر بعد از انقلاب در ایران حکایت از تحولات زیادی هم در عرصه خانواده و هم اعتقادات افراد دارد. این تغییرات طبیعی است زیرا جامعه بدون تغییر، به سکون دچار می‌شود. با این حال مخرب خواهد بود اگر شتاب تغییرات زیادتر از جذب نهادهای اجتماعی باشد. تغییر ارزش‌ها همیشه یک فرایند است و گاه حرکت این فرایند تند و گاه کند است. تضاد ارزشی مرحله‌ای از این فرایند است که با مقابله نظام جدید و قدیم شروع می‌شود، اما بالاخره با تغییر ارزش‌ها و تثبیت نظام ارزشی جدید یا حداقل خنثی کردن تأثیر نظام ارزشی قدیم پایان می‌یابد (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۲۴۸-۲۴۹).



بسیاری از این تحولات اخیر متأثر از جایگزینی و گزینش‌های متفاوت نسل‌هایی است که تفاوت‌ها و تمایزاتی در بین باورها و نگرش‌های آن‌ها وجود دارد (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۱۸). با توجه به دگرگونی ساختار جمعیت و تبعات آن و با عنایت به انقلاب ارتباطی و تشدید در استفاده از وسایل ارتباطی مدرن، به‌ویژه اینترنت، انتظار می‌رود که تغییرات در خانواده نیز تسریع شود (سرای، ۱۳۸۵: ۳۷). به رغم جوان بودن جامعه ما جوانان به راحتی نادیده گرفته می‌شوند و کهن‌سالان در تمام عرصه‌ها تسلط دارند و میلی به استفاده از جوانان جز به عنوان خدمتکاری صدیق نیست (برنهارد، ۱۳۸۳: ۹).

با وجود پژوهش‌های گسترده در ارتباط با فرایند تفاوت‌های بین نسلی و نتایج شایان توجه آن‌ها توجه به جنبه سؤال برانگیز و پرچالش در جامعه ایرانی، یعنی اهمیت ارزش‌های مذهبی در خانواده و فرایند تحول آن در بین نسل‌های مؤنث، نیازمند توجه بیشتری است. آیا در خانواده‌های دو شهر لار و جهرم که تا حدودی سنتی بودن خود را حفظ کرده و از طرفی دیگر با هجوم رسانه‌ها مواجه است باز هم می‌توان سخن از فرایند اجتماعی شدنی گفت که زمانی مید آن را زیربنای نقش‌پذیری فرزندان می‌دانست و آیا دختران از مادران خود در زمینه ارزش‌های مذهبی الگوبرداری می‌کنند؟ کدام کفه در تأثیرگذاری بر ارزش‌های مذهبی فرزندان مؤنث خانواده مؤثرتر است. عوامل متعددی می‌تواند تبیین‌کننده ارزش‌های مذهبی دختران خانواده باشد، اما از این بین سطح ارزش‌های مذهبی مادران خانواده و رسانه‌ها به نحو بارزی بر سایر عوامل پرتو افکنده است. آیا در لار به دلیل تعاملات گسترده‌تر با کشورهای حاشیه خلیج فارس و در معرض پیامدهای تجارت جهانی بودن، شاهد تغییر بیشتری نسبت به جهرم هستیم؟ پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که در جهرم زنان تأثیر مذهبی شگرفی بر دختران خود دارند (نوروزی، ۱۳۸۷)، آیا در لار نیز چنین است؟

با توجه به اهمیت خانواده از یک سو و هجوم رسانه‌ها از دیگر سو سؤال‌های اساسی عبارت است از: آیا فرایند شکاف نسلی میان مادران و دختران آن‌ها از لحاظ ارزش‌های مذهبی وجود دارد یا خیر؟ و اگر وجود دارد مادران مذهبی‌تر هستند یا دختران؟ دختران کدام یک از دو شهر لار و جهرم مذهبی‌تر بوده و تفاوت ارزش‌های مذهبی میان مادران و دختران آن‌ها در کدام شهر بیش‌تر است؟ آیا استفاده از وسایل ارتباط جمعی توانسته است در تفکر مذهبی این دو گروه تغییری ایجاد کند و آیا میزان اعتقادات مذهبی مادران نقش تعیین

کننده‌ای در اعتقادات دختران آنها دارد یا خیر؟

این پژوهش چهار هدف مشخص دارد:

- ۱- بررسی رابطه ارزش‌های مذهبی مادران و دختران
- ۲- مشخص کردن تفاوت ارزش‌های مذهبی میان مادران و دختران در سه بعد (بعد جمعی رفتار مذهبی، بعد فردی رفتار مذهبی و بعد اعتقادات).
- ۳- بررسی میزان تأثیر استفاده از وسایل ارتباطی بر ارزش‌های مذهبی.
- ۴- مقایسه نتایج سه قسمت بالا در زنان شهرهای جهرم و لار

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های ارائه شده در این قسمت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- پژوهش‌هایی که به طور مستقیم به فرایند شکاف یا تفاوت نسلی مربوط هستند.
- آثاری که بر رسانه‌ها و روند تأثیر گذاری در مذهب تأکید دارند.

جلیلی (۱۳۷۷) در پژوهش خود تحت عنوان «شکاف نسل‌ها، در پیش و پس از انقلاب اسلامی» عنوان می‌کند که چیزی به نام شکاف نسل‌ها وجود ندارد. در بررسی تفاوت‌های ارزش تنها مقدار ناچیزی تغییر به چشم می‌خورد که با روندی ثابت و به طور یکسان هر دو نسل را تحت الشعاع قرار می‌دهد که این میزان نیز قابل اعتناء نیست؛ او به این نتیجه رسید که فاصله نسلی از حیث ارزش‌های مذهبی در سال ۷۴ نسبت به سال ۵۳ و ۵۸ حتی کاهش نیز یافته است (جلیلی، ۱۳۷۷). رفیع پور (۷-۱۳۷۱) تأثیر ویدئو بر رفتار مذهبی افراد را بررسی کرده است. این کار دو پژوهش را شامل بود و این امر را مشخص می‌کند که کدام افراد ویدئو دارند، کدام‌ها نماز می‌خوانند و کدام‌ها روزه می‌گیرند؟ نتایج حاکی از افزایش ویدئو دارها و کاهش نمازخواندن و روزه گرفتن بود. البته، رفیع پور نتیجه گیری کرد که پدیده‌های مدرن فی نفسه بد نیستند و با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و شرایط فرد می‌تواند اثر مثبت و منفی داشته باشد (رفیع پور، ۱۳۷۹). آزاد ارمکی (۱۳۸۳) به آزمون نظریه اینگلههارت در ایران اقدام می‌کند. مبنی بر اینکه آیا اولویت‌های ارزش‌های مادی به فرامادی، تغییر یافته است. او به این نتیجه رسیده است که ارزش‌های مادی بیش‌تر از ارزش‌های مخلوط و بسیار کمتر از ارزش‌های فرامادی رواج داشته است (درحد ۸ درصد). نسل جوان در ایران با توجه به نوع اجتماعی شدن و شرایط اقتصادی اجتماعی آن بیش‌تر فرامادی است تا مادی. از طرف دیگر،



به لحاظ اهمیت بالای دین برای مردم، بین نظام ارزشی افراد با دین تعارض وجود ندارند. با وجود تغییر در کلیت ساختار اجتماعی هم‌چنان دین و خانواده برای همه نسل‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳). کاشی و گودرزی (۱۳۸۳-۱۳۸۴) بر اساس یافته‌های موج نخست پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ارزش‌ها و نگرش‌های بین نسلی را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه نسل‌های گوناگون بر مبنای تجربه جنگ و انقلاب به پنج گروه تقسیم شده‌اند. یافته‌های این پژوهش باور به تعارض ارزشی و نگرشی میان گروه‌های نسلی را تأیید نمی‌کند، اما نقش تجربیات نسلی در بروز تفاوت میان نسل‌های گوناگون را نمایان می‌کند. با وجود ضعیف شدن برخی حوزه‌های ارتباطی فرد، هنوز هم شبکه ارتباطات خانوادگی نیرومندترین شبکه ارتباطی فرد است، اما در ارتباط با مذهب در پاسخ به این پرسش که شما تا چه حد خود را مذهبی می‌دانید؟، فقط نیم درصد اعلام کرده‌اند که اصلاً خود را مذهبی نمی‌دانند. بزرگیان (۱۳۸۴) در بررسی «گسست و تداوم نسلی» به این اشاره دارد که اغلب جوانان در پاسخ به میزان مذهبی بودن، گزینه‌های کم یا اصلاً را انتخاب کرده‌اند. و همچنین گروه‌های سنی پایین‌تر، نگاه منفی‌تری نسبت به وضعیت فعلی جامعه از نظر میزان مقید بودن به خواندن نماز دارند. او بیان می‌کند که تفاوت‌ها و برخی اوقات شکاف نسل‌ها در ایران به آن اندازه مخرب نیست که عده‌ای می‌پندارند، اما نمی‌توان آن را انکار هم کرد. توکل و قاضی نژاد (۱۳۸۵) اشاره کرده‌اند که موضوع شکاف و تعارض نسل‌ها از مهم‌ترین و فعال‌ترین شکاف‌های اجتماعی در جهان پرتحول معاصر است. مدعای پژوهش این است که هرچند به لحاظ تحلیلی، رویکردهای تاریخی و تضاد مکمل یکدیگر هستند و شکاف و تعارضات نسلی در ابعاد مختلف آن، با تکیه بر مفاهیم مطرح در هر دو رویکرد دقیق‌تر تبیین خواهد شد، اما از نقطه نظر راهکارهای اصلاح‌گرایانه و سیاست‌گذاری اجتماعی برای کاهش تنش بین نسل‌ها، افزایش عدالت و همبستگی بین نسلی و تعامل طبیعی و موزون بین نسل‌های مختلف و اتخاذ هر یک از رویکردهای یادشده از پیامدهای ویژه خود برخوردار بوده و در عمل، کارایی یکسان ندارند.

گرچه در پژوهش‌های داخلی با توجه به ساختار مذهبی ایران و روند تغییرات گسترده به مسأله دین و تفاوت یا تضاد بین نسلی توجه شده، اما در پژوهش‌های خارجی نیز این مسأله با توجه به ابعاد دیگر تفاوت‌های بین نسلی بررسی شده است که گزیده‌ای از آن‌ها ارائه می‌شود.

سگالن (۱۳۷۰) از متفکرانی است که با دید خرد به بررسی روابط بین نسلی اقدام کرده است. او با استفاده از پژوهش سایر متفکران چنین استدلال می‌کند که میان فرزندان و والدین بر سر موضوعات خاص و نه چندان مهم اختلاف نظر وجود دارد، ولی بر سر مسائل اساسی اشتراک نظر دیده می‌شود (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۲۶-۲۲۳). سالویتور ابروزس^۱ (۱۹۹۵) در پژوهشی مرتبط با ارزش‌ها و گرایش‌های جوانان و نسل بعد از جنگ ایتالیا نشان می‌دهد که جوانان در مقایسه با نسل پیشین، به ارزش‌های سکولار تمایل داشته و در حوزه مسائل عقیدتی اخلاقیات فردگرا هستند. در حوزه دین با مذهب نهادینه شده تعارض داشته و از دیگر سو مدافع ارزش‌هایی نظیر طلاق و سقط جنین هستند (به نقل از، کاشی و گودزی، ۱۳۸۳، ۵۸-۲۵۳). اسمیت و همکاران (۲۰۰۲) به بررسی میزان و نحوه استفاده جوانان و والدین شان از وسایل ارتباطی (پیام کوتاه، ایمیل موبایل و تلفن) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که جوانترها به نحو کاملاً متفاوتی از والدین شان و پیرترها از این وسایل استفاده می‌کنند. گرچه جوانان بیش تر اوقات خود را با خانواده و دوستان شان می‌گذرانند، اما زمانی که نمی‌توانند با آنها باشند از انواع مختلف وسایل ذکر شده برای پر کردن اوقات خود استفاده می‌کنند اسمیت^۲ و همکاران، (۲۰۰۲). اسمیت (۲۰۰۴) در کار خود تحت عنوان «بازنگری شکاف نسلی» با استفاده از داده‌های مرکز پژوهش آراء ملی تغییر دیدگاه‌های افراد را در طی سه دهه مطالعه کرد. او مطالعات خود را درباره جوانان دهه های ۱۹۷۶، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۷ انجام داد. نتایج حاکی از این بود که جوانان امروزه به اموری مانند: خواندن روزنامه، کلیسا رفتن یا تعلق داشتن به مذهب یا عقیده خاص علاقه کمتری دارند. جوانان در مقایسه با بزرگ‌ترها به طور کلی نسبت به جامعه و بالاخص نسبت به مردم بدبین‌تر هستند (اسمیت، ۲۰۰۴).

مبانی نظری

نظریه‌های اجتماعی شدن^۳

مید در قالب تکامل اجتماعی، خانواده را اساسی ترین گروه اجتماعی می‌داند و معتقد است

1. Abbruzzese, Salvatore
2. Smith
3. Socialization



که مذهب باگذر زمان مفاهیم جهانی یکپارچه سازی را توسعه می‌دهد. (آشلی^۱، ۱۹۹۵: ۴۶۴-۴۶۳). اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج، در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد شده است، شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده می‌شود. مید بیان می‌کند که خردسالان و کودکان پیش از هر چیز با تقلید اعمال کسانی که در پیرامون آن‌ها هستند، به عنوان موجودات اجتماعی در می‌آیند. کودکان با دیدن خودشان از چشم دیگران به ادراکی از خودشان دست می‌یابند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۹۹-۸۶). از نظر مید برای وجود پیدا کردن زندگی اجتماعی لازم است که کنشگران نمادهای معنادار مشترکی داشته باشند (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۷۷).

در یک نظام پست مدرن، دین مجدداً به عنوان جایگاه مخاطرات، در سطوح جهانی و فردی و نیز ارائه دهنده هویت جمعی و فردی، جشن‌ها و آئین‌های مذهبی، مطرح می‌شود. تجدد در دوران جدید تمایل دارد که به صورت یک چارچوب پلورالیستی (کثرت‌گرایانه) در نظر گرفته شود که در آن اعتقادات دینی می‌تواند شکوفا شود. دین، در واکنش به فرد‌گرایی افراطی، نقش بیان هویت مشترک و جمعی را به دست می‌آورد (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۵۷-۱۵۱).

نظریات توسعه، نوسازی فرهنگی و تحولات فناوری

توسعه و نوسازی: تغییر اجتماعی عبارت است از دگرگونی در الگوهای سازمان اجتماعی در طی زمان (لهسای زاده، ۱۳۸۱: ۸۰). هر فرهنگی در هنگام مواجهه با تغییر، به عواملی متکی است که به میزان و نحوه پذیرش توسعه تأثیر می‌گذارد. همه آنچه که بعد عرفانی فرهنگ نامبرده می‌شوند می‌تواند سازنده مبنای نگرش به جهان، معنای زندگی، ارتباط بین گذشته و آینده، نظام‌های ارزشی، رفتارها و نگرش‌ها و حتی به طور غیر مستقیم ساختارهای اجتماعی باشد (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۸۵-۱۸۴). نوسازی فرهنگی حرکت از فرهنگ سنتی به سوی فرهنگ جدید است. به نظر وبر همان‌گونه که فرهنگ پروتستانیسم توانست روحیه نوگرایی را در غرب به وجود آورد و منشاء توسعه غرب شود، تغییر در ارزش‌های فرهنگی جوامع عقب مانده و ایجاد ارزش‌های نو می‌تواند این جوامع را در جاده توسعه قرار دهد. در الگوی نوسازی فرهنگی «وسایل ارتباط جمعی» نقش تعیین کننده دارد. این وسایل به تدریج آثار جالب توجهی در فرهنگ بومی گذاشته و باعث ایجاد ارزش‌های نو در افکار و رفتار مردم

می‌شود (لهسایی زاده، ۱۳۸۱: ۸۱). دانشمندان معتقد هستند که جوان و نوجوان در هر جامعه، با توجه به مقتضیات سنی خود، طبعی نوخواه دارند و خواهان استقلال طلبی شخصی هستند و در هر مرحله از رشد و تکوین خویش در برابر منابع سنتی نظام باورها و رفتار اجتماعی نقش معترض را ایفا می‌کند. اعتقاد بر این است که جوانان در همه جوامع به نظم اجتماعی موجود کم‌تر متعهد و بیش‌تر مستعد ایجاد تغییر و دگرگونی در این نظام هستند و در مقابل نسل بزرگسالان محافظه‌کارتر و محافظ نظم اجتماعی است و با منابع سنتی ارزشی‌ها و هنجارهای اجتماعی پیوند محکم تری دارد (لاور، ۱۳۷۳: ۸۹). بشیریه معتقد است در جوامع سنتی همبستگی و یکدستی فرهنگی و پیروی فرزندان از پدران معمولاً مانع پیدایش شکاف در نگرش نسل‌ها می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۰۱). بر عکس در جامعه‌ای که دستخوش تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای شده‌اند چنین شکافی محسوس‌تر است. مید معتقد است که پیوستگی فرهنگی نسل‌ها در جامعه کنونی از بین رفته و نسل‌های مختلف، به واسطه رشد سریع «اکتشاف علمی» انقلاب‌های تکنولوژیک و توسعه وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات، امکان درک یکدیگر و گفت و گو با هم را از دست داده‌اند. او معتقد است شکاف نسل‌ها جهانی است و تنها بیگانگی جوان مطرح نیست بلکه به همان اندازه به بیگانگی بزرگسالان نیز منجر شده است (مید، ۱۳۷۴: ۵۹-۵۰). درباره وجود تفاوت‌های ارزشی میان دو نسل جوان و بزرگسال تردیدی نیست، بحث اصلی بر سر این است که دو نسل جوان و بزرگسال در چه ارزش‌هایی بیش‌تر از همه فاصله می‌گیرند و مهم‌تر از آن این‌که آیا اولویت‌های ارزشی و ترجیحات ارزشی دو نسل فرزند-والدین بیش از حد معمول متفاوت و جدا از هم هستند. آیا بین دو نسل نوعی شکاف ارزشی عادی شده است؟ یا باید از پیوستگی ارزشی سخن گفت (جلیلی، ۱۳۷۷: ۶۳).

پراساد^۱ بر این نظر است که تاکنون کارکرد نسل‌ها را یکپارچه کردن جوانان با جامعه تصور می‌کردند. زمانی که بخش بزرگی از جوانان در پیوند با جامعه خود مشکل دارند دیگر این کارکرد توانایی ندارد. این است که شکاف نسل و تضاد جوانان و والدین امر آشنایی شده است. وقتی اقتدار والدین که عاملان اصلی جامعه‌پذیری بوده‌اند، زیر سؤال می‌رود ارزش‌های والدین جابه‌جا می‌شود، دیگر کاری از والدین ساخته نیست (پراساد، ۱۹۹۲). درباره



این‌که چه عواملی مسئول این تغییرات است؟، سخن فراوان است. نفوذ همسالان از بیشترین طرفداران برخوردار است، اما این همسالان در چه فضایی ارزش‌های خود را می‌پروراند و به یکدیگر سرایت می‌دهند؟ تا حد زیادی از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی نوین که اغلب جوانان با آن سر و کار دارند و در جوامع امروزی حتی از وابستگی طبقاتی قوی‌تر عمل می‌کند. به همین دلیل، برای دست یافتن به تفکری معتبرتر، به رویکرد تأثیرات فرهنگی و تکنولوژیک توجه شده است.

تغییر فرهنگی و نظریهٔ اینگلهارت^۱ مبنی بر فرامادی شدن جامعه: از نظر اینگلهارت تغییرامری تدریجی است که بازتاب تغییر در تجربه‌های نسل‌های قدیم و جدیدتر است. وقتی نسل جوان‌تر به تدریج جانشین نسل قدیم می‌شود، دیدگاه مسلط این جوامع نیز دگرگون می‌شود. این تغییر بر اساس دو فرضیه بنا شده است.

۱: فرضیهٔ کمیابی: اولویت‌های فرد بازتاب فضای اجتماعی اقتصادی است. ارزش‌های ذهنی مردم به اموری تعلق می‌گیرد که عرضهٔ نسبتاً کوتاهی دارد. در دوره‌ای که بقای مادی مهم است، ارزش‌ها هم حول همین منابع کمیاب شکل گرفت (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۱۵).

۲: فرضیهٔ جامعه‌پذیری: رابطهٔ فضای اجتماعی اقتصادی و اولویت‌های ارزشی بلافصل نیست. باید نسلی بگذرد تا تغییرات ارزشی با اجتماعی اقتصادی هماهنگ شود. بنابراین، نسل جوان تجربیاتی پیدا می‌کند که در اختیار نسل گذشته نبود. (همان، ۱۸). این تغییر در تجربیات نسل‌ها ارزش‌های فرامادی را جانشین ارزش‌های مادی می‌کند. ارزش‌های مادی امنیت اقتصادی و فیزیکی بود و ارزش‌های فرامادی شامل افزایش انتخاب انسان، رهایی از قید و بندها، خود عرضه کردن، تغییر در دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی، جنسی و دیگر هنجارها است. از نظر اینگلهارت و همکارانش این ارزش‌ها بر نیاز به تعلق، عزت نفس، ابراز وجود، افزایش مهارت‌های سیاسی و ملی تأکید دارند (اینگلهارت و همکاران، ۲۰۰۴).

در آغاز صنعتی شدن، این تغییرات حاصل شرایط اقتصادی و فنی بود. به همین دلیل مدرنیته بر یک روندی جبری، خطی و خود مدار تأکید داشت. جبری بود، چون همه تغییرات به فن و اقتصاد احاله می‌شد، خطی بود چون همه جوامع یک مسیر داشتند و خود مدار بود

چون مدرنیته معادل غربی شدن در نظر گرفته می‌شد (اینگلهارت، ۱۹۹۷)، اما دوران بعد از جنگ جهانی دوم که دیگر نسل جدید جنگ فراگیری را تجربه نکرده است، در دولت رفاه بار آمده، از تحصیلات بالاتر برخوردار است و مهارت بیشتری نسبت به نسل قبل دارد، دیدگاهش به طور عمیقی تغییر کرده است و این دیدگاه سنت مادی را بر نمی‌تابد. نسبت به اقلیت‌ها و ارزش‌های جنسی تساهل‌نشان می‌دهد، خواهان مشارکت سیاسی بیش‌تر است، از حالت تحت رهبری بودن به چالش با نخبگان برخاسته، دموکرات‌تر، به روابط بین فردی اعتماد بیشتری دارد، و مدافع حقوق زنان است (اینگلهارت، ۱۳۸۹). مذهب و عقل‌گرائی نخبگان که زمانی بر جوامع پیشا مدرن و صنعتی چیره بود و از بیرون آدمیان را اداره می‌کرد، جای خود را به نیروی درون متمرکز کرده است. یعنی بر قدرت ابراز وجود و انتخاب استوار شده است. این یک انقلاب آرام است که همه جوامع را در خواهد نورد. این تغییر معادل آن چیزی است که اینگلهارت آن را پست مدرن نامیده است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۱۵).

تضاد ارزش‌ها: زیمیل رویکرد تضاد ارزش‌ها را به عنوان شکلی از کنش متقابل اجتماعی تحلیل کرده است. با وجود این که نظریه تضاد ارزشی به دوران رکود اقتصادی مرتبط است، اما می‌تواند در برخی ابعاد سودمند باشد. این رویکرد می‌تواند میان افراد دو نسل نیز رخ دهد، اما راه حل‌های آن نیز شامل امور زیر است. توافق، معامله و زور. توافق در صورتی حاصل شده است که طرفین بتوانند به خاطر ارزش‌های والاتری مصالحه کنند که هر دو به آن ارزش‌ها پایبند هستند. اگر طرفین بتوانند چانه زنی کنند، معامله ارزش‌ها به صورتی آزادانه انجام می‌شود و چنانچه نه معامله‌ای کار ساز باشد و نه توافقی انجام شود، در این صورت گروهی مسلط می‌شود که قدرت بیشتری داشته باشد (راینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۶: ۶۷).

در جوامع با تکنولوژی‌های جدید، جوانان ارزش‌های مادی جامعه را بیش‌تر در ربط با سرمایه‌داری و پیشرفت‌های تکنیکی می‌بینند. بنابراین، در بازتاب نسبت به چنین جریانی، به دامن فرقه‌ها، یا به قول باومن قبایلی (باومن، ۱۳۸۴) افتاده‌اند که از آن‌ها در مقابل این ارزش‌های مادی حمایت کند. در کشورهای در حال توسعه نیز، تقابل‌های دانش‌آموز - معلم، جوانان - پیران، و فرزندان - والدین از نمونه‌های تضاد ارزشی است که نه تنها جوامع شهری که روستاها را نیز درگیر کرده است. چون تکنولوژی اطلاعاتی چیزی نیست که کسی از آن فرار کند. امروزه هر تارک دنیایی در منطقه‌ای دور افتاده نیز یک همراه و رادیو دیجیتالی با



خود دارد.

نظریه شکاف نسلی: کرتزل (۱۹۹۳) مفاهیم و تعابیر مطرح شده در حوزه جامعه‌شناسی نسلی را به چهار مقوله تقسیم بندی کرده است: ۱- نسل به معنای اصل و اساس نسب خویشاوند؛ ۲- نسل به معنای افراد همدوره؛ ۳- نسل به معنای مرحله زندگی؛ ۴- نسل مانند ۵ دوره تاریخی، انسان‌شناسی اجتماعی در تعریف نسل از نسب خویشاوندی یاد می‌کند و جمعیت‌شناسان بیش‌تر همدوره‌ای را مد نظر دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۵). شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانش، گرایش و رفتارهای بین دو نسل (از قبیل والدین و فرزندان)، با وجود پیوستگی‌های کلان، از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، تاریخی متأثر است. کارل مانهایم نیروی جدیدی را که دارای موقعیت‌های جدید و تجربیات متفاوت باشد زمینه ساز شکل‌گیری واحدهای نسلی می‌داند. در شکاف نسلی، واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت، در کلیت فرهنگی اجتماعی تعامل می‌کنند (همان). فروریختن جامعه به وسیله گروه‌های سنی اهمیت شکاف نسلی را دوچندان کرده است. جامعه‌ای که با نوسازی، توسعه تکنولوژی و افزایش موقعیت‌ها مواجه است، جوانان، دختر و پسر را با مسائل پیش‌بینی ناپذیر مواجه کرده است (پرساد، ۱۹۹۲). در جامعه سنتی همیشه راه حل آماده‌ای برای مسائل وجود دارد، به علاوه قید و بندهای اجتماعی چنان محکم است که کسی شکستن آن را در مخیله نمی‌گنجاند. بسته مدرنیته چه بود؟ غلبه خردورزی، به ویژه نوع ابزاری آن، که تلاش می‌کنیم بخریم، اما دمی تأمل نمی‌کنیم برای چه خریدیم، روح علمی، سکولاریسم، ارزش‌های تساوی طلبانه، تأکید بر سرنوشت‌سازی افراد به دست خود، گسترش روح اومانیستی. در چنین فضایی والدین در انتقال قالب‌هایی درمانده شدند که توانایی نیازهای جدید را نداشت.

نظریه‌های گیدنز و کاستلز درباره تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی (ICT)

بعد از آن‌که تافلر توفنده‌ترین تأثیرات شگرف جامعه‌اطلاعاتی و انرژی‌های نوین را در دگرگونی ساختار اجتماعی مطرح کرد (تافلر، ۱۳۷۵)، توجه به قدرت دگرگونی ساز فناوری‌های اطلاعاتی رو به افزایش گذاشت. در بین جامعه‌شناسان کلاسیک، تکنولوژی گراهایی مانند نیمکف بودند که تحول در خانواده و منزلت زنان را به فناوری پیوند دادند، اما نظر این دسته مکانیکی و بدون توجه به قدرت بازاندیشی انسان‌ها در اخذ تغییرات بود. پس از

این دوران نوبت به تکامل‌گرایان جدید رسید که بحث تکنولوژی‌های حمل و نقل و ارتباطی را در تغییرات پدیده‌های جامعه مطرح کردند. برای مثال لنسکی گذر جوامع و دگرگونی ساختاری آن را به قدرت فناوری هر جامعه می‌داند. گرچه توجه او به تغییرات نابرابری‌ها و امتیازها است، اما نمی‌تواند مشکلات جوانان و زنان و تغییر در سبک زندگی آن‌ها را در این تحولات نادیده بگیرد. او می‌گوید: تأثیر صنعتی شدن بر معیارها و موازین و ارزش‌های اجتماعی هیچ‌کجا آشکارتر از تحولاتی نیست که در نقش زنان دیده می‌شود. آزادی زنان بیش از آن‌که بسیاری می‌پندارند مادیون پیشرفت تکنولوژی است. این تغییرات از طرز لباس و دود کردن سیگار گرفته است تا بهداشت روانی، حوادث رانندگی، افسردگی و دیگر دگرگونی‌ها است که در سبک زندگی مشهود است، ولی این تغییرات در زندگی دختران بیش‌تر از نسل قبلی دیده می‌شود. به دلیل آن‌که در کل جوانان در این تغییرات دچار تحول بیشتری شده‌اند (لنسکی و لنسکی، ۱۳۷۴). کاستلز می‌گوید تکنولوژی‌های اطلاعاتی بنیاد پدر سالار خانواده را دچار تزلزل‌های شدید کرده است. به طوری که نسل جدید جوانان حاضر به پذیرش چنین پایگاه فرادستی برای مردان نیستند. نقش فزاینده‌ای که زنان در اقتصاد خانواده بازی می‌کنند، قدرت اسطوره‌ای نان‌آوری مردان را خدشه‌دار کرده است و تعارضات در قالب نهضت‌های تساوی طلبانه در کشورهای صنعتی مؤید این مدعا است. نسل‌های جدید فرایند اجتماعی شدن را بیرون از الگوی سنتی خانواده پدرسالاری می‌گذرانند و از همان سنین آغازین با لزوم انطباق با وضعیت‌های متفاوت و نقش‌های متفاوت بزرگسالی مواجه می‌شوند. این فرایند تا حدودی هنجارهای نهادی خانواده پدر سالار را کم‌رنگ و نقش‌های درون خانواده را متنوع می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۴). این گونه تفکرات به وسیله فناوری‌های اطلاعاتی یا تماس با جوامع دیگر اشاعه می‌یابد و دختران جوامع در حال توسعه را در بر می‌گیرد. افزایش زنان تحصیل کرده در ایران و تقاضای آن‌ها برای مشارکت‌های بیش‌تر در اقتصاد اطلاعاتی و سیاسی ناشی از همین آگاهی‌های نوین است. از طرف دیگر پدرسالاری و نقش صرفاً مادرانه زنان در خانواده، با عقاید دینی و سنتی تقویت و بازتولید می‌شود. به عبارت دیگر امتیازات مردانه در پشت این احکام سنتی قرار دارد. لذا در مواجهه با پدر سالاری و اعتراض به نقش سنتی زنانه، بعضی از عقاید مذهبی و سنتی نسل جدید نیز به ضعف می‌گراید.

آنتونی گیدنز، بر این باور است با این حال که تکنولوژی تغییرات عمیقی را در جوامع به



بارآورده، اما خطر و تخریب محیط‌زیست را هم به همراه داشته است. یکی از تغییرات باز تعریف وظایف زنان و مردان در جامعه است. بنابراین، نسل جدید که با اطلاعات جدید آشنا است و بیش از نسل قبل در معرض فناوری‌های نوین اطلاعاتی است، از پذیرش وظایف سنتی سر باز می‌زند و توانایی بیشتری پیدا کرده است تا ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را به صورت بازاندیشانه بپذیرد، یعنی به صورت انتخابی و با توجه به منابع جدیدی مانند تحصیلات، که در اختیار دارد، و با توجه به موقعیتی که در ارتباط با نهضت‌های اجتماعی پیدا کرده است (گیدنز، ۱۹۹۰). بنابراین، کمتر اندیشمندی می‌تواند نقش تکنولوژی‌ها را در شکل دادن و جابه‌جا کردن ارزش‌های اجتماعی نادیده بگیرد و به آن توجه نکند. همان‌طور که اشاره شد هر عامل دیگری هم در تأثیر خود از دریچه این فنون عمل می‌کند. لذا مشکل بتوان نقش بنیادی تکنولوژی‌های ارتباطی را در تغییر دیدگاه زنان درباره نقش و موقعیت خود کنار گذاشت.

از میان نظریات ارائه شده دو حوزه اصلی نظری در ارتباط با تفاوت نسل‌ها استنتاج می‌شود.

- ۱- بین دو نسل تفاوت زیادی وجود ندارد و اگر وجود دارد به نفع تفاوت‌های فرامادی برای جوانان است. طبق نظریات اینگلهارت و نظریات پست مدرن و این نظریات به دوره رونق اقتصادی متعلق است.
 - ۲- بین دو نسل تفاوت جالب توجهی وجود دارد طبق نظریات نوسازی و تحولات تکنولوژیک اخیر، این نظریات به دوران فقدان ثبات اقتصادی متعلق است.
- چارچوب نظری این پژوهش، از نظریات جرج هربرت مید با تأکید بر خانواده و مذهب و روند اجتماعی شدن و تضادهای ناشی از وسایل جدید فراهم شده است. بنابراین، غیر از دو دسته نظریات بالا، برای تبیین تفاوت بین دو نسل، از تأثیر فناوری‌های ارتباط جمعی بر ارزش‌های مذهبی استفاده می‌شود.

روش پژوهش

برای بررسی این موضوع از روش پیمایشی همراه با تکمیل پرسشنامه استفاده شد. داده‌هایی که پایایی بالای داشتند به وسیله پرسشنامه استخراج شد. چون داده‌ها در نهایت در

دو شهر جهرم و لار، از شهرستان‌های استان فارس، جمع آوری شدند نتایج نیز بعد از گزارش‌های جداگانه مربوط به هر کدام از شهرها با یکدیگر مقایسه شد. متغیرهای مستقل این پژوهش شامل میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (رسانه‌های داخلی و رسانه‌های خارجی)، میزان ارزش‌های مذهبی مادران (در سه بعد رفتار مذهبی جمعی، رفتار مذهبی فردی و بعد اعتقادی) است. متغیر وابسته پژوهش نیز میزان ارزش‌های مذهبی دختران بود که این متغیر در سه بعد مرتبط با مادران اندازه‌گیری شد. برای اندازه‌گیری ارزش‌های مذهبی می‌توان به این حدیث رسول خدا در «اصول کافی» استناد کرد که علم به سه دسته اعتقادات، اخلاقیات و احکام تقسیم می‌شود. در این بررسی اخلاقیات و احکام در سه قسمت رفتار مذهبی فردی و جمعی و اعتقادات در قسمت مربوط به خودش قرار گرفته است. البته، برای ساختن شاخص‌ها از پژوهش‌های محسنی (۱۳۷۹) نیز استفاده شد.

جامعه آماری

با توجه به این امر که ارزش‌های مذهبی در رده‌های سنی خاص نوجوانان به شدت تحت تأثیر بلوغ و دگرگونی افراد قرار می‌گیرد، جامعه مورد بررسی این پژوهش نیز از میان دانش‌آموزان مقطع دبیرستانی و مادران آن‌ها انتخاب شد. نوجوانان مقطع دبیرستان شهرهای جهرم و لار با داشتن ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نزدیک به هم (با تفاوت در مراودات خارجی) به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. شهر جهرم با داشتن ۲۹۵۱ نفر دانش‌آموز در سطح دبیرستان قسمتی از جامعه آماری این پژوهش است. در نتیجه در جهرم کل تعداد دانش‌آموزان و مادران آن‌ها که ۵۹۰۲ نفر بود جامعه آماری ما را تشکیل می‌داد. تعداد دانش‌آموزان دبیرستانی شهر لار ۳۴۰۲ بوده و در مجموع این تعداد به همراه مادران شان ۶۸۰۴ دومین گروه و جامعه آماری پژوهش می‌باشند.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه مورد بررسی با استفاده از فرمول کوکران و P و q مساوی به دست آمد که مقدار آن برای جهرم ۲۶۰ نفر دانش‌آموز که با مادران آن‌ها حجم نمونه به ۵۲۰ رسید. حجم



نمونه شهر لار (دختران دبیرستانی و مادران آن‌ها) نیز ۵۴۰ نفر شد. در نهایت تعداد ۱۰۶۰ پرسشنامه توسط دختران دبیرستانی و مادران آن‌ها در دو شهر لار و جهرم تکمیل شد. روش نمونه‌گیری ابتدا به صورت خوشه‌ای طبقه‌بندی شده و سپس تصادفی ساده بود که از بین دبیرستان‌ها تعدادی کلاس بر اساس پایه و رشته تحصیلی و از میان کلاس‌ها تعدادی از افراد به صورت تصادفی انتخاب شد.

پرسش‌های پژوهش

با توجه به پژوهش‌های پیشین و دیدگاه نظری این پرسش‌ها مطرح شد:

- ۱- میزان ارزش‌های مذهبی مادران تا چه اندازه با میزان ارزش‌های مذهبی دختران آن‌ها ارتباط دارد؟
- ۲- میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (داخلی و خارجی) تا چه اندازه با ارزش‌های مذهبی دختران ارتباط دارد؟
- ۳- چه تفاوت معناداری در ابعاد مختلف مذهبی بودن (جمعی، فردی، و اعتقادی) در میان مادران و دختران آن‌ها وجود دارد؟

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: میزان پایایی ارزش‌های مذهبی مادران و دختران

نام متغیر	میزان پایایی	تعداد گویه
ارزش‌های مذهبی دختران	۰/۸۴	۲۳
ارزش‌های مذهبی مادران	۰/۷۷	۲۳

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میزان پایایی گویه‌های مربوط به ارزش‌های مذهبی دختران ۸۴/۰ است و این نشان‌دهنده ارزش زیاد داده هاست. میزان پایایی ارزش‌های مذهبی مادران نیز ۷۷/۰ است. در کل ۲۳ گویه توانسته است، تا حد خوبی بعد ارزش‌های مذهبی افراد را بسنجد.

سؤال اساسی این مقاله این بود: آیا بین ارزش‌های مذهبی دختران دو شهر لار و جهرم

تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۲: آزمون t دو گروه مستقل در ارتباط با تفاوت ارزش‌های مذهبی دختران دو شهر لار و جهرم

تفاوت میانگین	سطح معناداری	T	Sig.	F	
-۸/۲۲۷۸	۰/۰۰۰	-۱۱/۴۱۵	۰/۱۱۰	۲/۵۶۹	بعد جمعی رفتارهای مذهبی
-۲/۱۱۶۲	۰/۰۰۰	-۴/۷۵۶	۰/۰۰۰	۱۶/۶۵۴	فردی رفتارهای مذهبی بعد
۰/۳۸۷۶	۰/۲۶۹	۱/۱۰۷	۰/۱۵۰	۲/۰۷۴	سطح اعتقادات
-۹/۹۱۳۲	۰/۰۰۰	-۸/۶۳۶	۰/۰۱۲	۶/۳۵۴	ارزش‌های مذهبی

طبق جدول (۲) و آزمون t دو گروه مستقل بین ارزش‌های مذهبی دختران لار و جهرم در کل و در دو بعد جمعی رفتارهای مذهبی و بعد فردی ارزش‌های مذهبی تفاوت معناداری وجود دارد، اما در زمینه اعتقادات تفاوت معنادار نیست. بیشترین و معنادارترین تفاوت ارزش‌های مذهبی بین دو شهر در بعد جمعی رفتارهای مذهبی مشهود است. همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود در همه ابعاد دختران جهرمی از لاری‌ها مذهبی‌تر بوده‌اند به‌جز در زمینه اعتقادات که نمره دختران لاری فقط ۰/۳۸ بیش‌تر از جهرمی‌ها است، البته، این مقدار نیز معنادار نیست. تفاوت میانگین نمره ارزش‌های مذهبی دو شهر حدود ۱۰ نمره به نفع جهرمی‌هاست.

جدول ۳: میانگین ارزش‌های مذهبی دختران دو شهر لار و جهرم

میانگین	محل سکونت	
۳۲/۰۹	لار	بعد جمعی رفتارهای مذهبی
۴۰/۳۲	جهرم	
۱۷/۷۵	لار	بعد فردی رفتارهای مذهبی
۱۹/۸۷	جهرم	
۳۲/۱۲	لار	سطح اعتقادات
۳۲/۷۴	جهرم	
۸۲/۹۸	لار	ارزش‌های مذهبی
۹۲/۸۹	جهرم	



آیا تفاوت معناداری بین ارزش‌های مذهبی مادران و دختران آنها وجود دارد؟

جدول ۴: آزمون t دو گروه مستقل در ارتباط با تفاوت ارزش‌های مذهبی دختران و مادران (شهر لار و جهرم)

محل سکونت	F	سطح معناداری	t	سطح معناداری	تفاوت میانگین
بعد جمعی رفتارهای مذهبی	۱/۱۴	۰/۲۸	-۳/۸۸	۰/۰۰۰	-۲/۸۱
لار	۷/۷۳	۰/۰۰۶	-۱۲/۱۶	۰/۰۰۰	-۸/۴۰
بعد فردی رفتارهای مذهبی	۰/۰۰۴	۰/۹۵	-۱/۹۰	۰/۰۵۸	-۰/۷۱
لار	۸/۱۰۶	۰/۰۰۵	-۶/۷۶	۰/۰۰۰	-۳/۱۳
سطح اعتقادات	۰/۳۹۳	۰/۵۳	-۰/۴	۰/۶۸	-۰/۱۳
لار	۰/۷۵۹	۰/۳۸	-۰/۵۵	۰/۵۷	-۰/۱۶
ارزش‌های مذهبی	۰/۴۶۴	۰/۴۹	-۳/۵۱	۰/۰۰۰	-۳/۹۱
لار	۸/۹۶۵	۰/۰۰۳	-۱۰/۶۸	۰/۰۰۰	-۱۱/۷۰

با توجه به جدول (۴) در ارتباط با شهر لار تفاوت معناداری از لحاظ ارزش‌های مذهبی در کل، بعد جمعی ارزش‌های مذهبی و بعد فردی رفتار مذهبی بین دو گروه مادران و دختران آنها وجود دارد. و با توجه به میزان F مدل تحلیلی این روابط نیز در کل معنادار است. بنابراین، می‌توان با اطمینان گفت که در این دو حوزه تفاوت ارزش‌های مذهبی بین مادران و دختران آنها در شهر لار ملاحظه‌پذیر است. درباره شهر جهرم گرچه مقدار t کاهش یافته و بالطبع به دنبال آن ضریب معناداری نیز افزایش یافته است، اما باز هم در ارتباط با ارزش‌های مذهبی در کل و بعد جمعی ارزش‌های مذهبی، میان دختران و مادران آنها تفاوت معناداری وجود دارد و گرچه مقداری تفاوت در زمینه بعد فردی رفتار مذهبی بین آنها وجود دارد، اما معنادار نیست. مادران و دختران در دو شهر لار و جهرم از لحاظ اعتقادات بسیار شبیه هم هستند.

آیا رسانه‌های جمعی (داخلی و خارجی)، نقش تعیین کننده‌ای بر ارزش‌های مذهبی دختران ایفاء می‌کنند؟

جدول ۵: آزمون همبستگی بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی (داخلی و خارجی) و میزان

ارزش‌های مذهبی دو شهر لار و جهرم

ارزش‌های مذهبی	سطح اعتقادات	بعد فردی رفتارهای مذهبی	بعد جمعی رفتارهای مذهبی			
۰/۱۰۶	۰/۰۳۹	۰/۰۴۷	۰/۱۰۸	همبستگی پیرسون	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی	جهرم
۰/۱	۰/۰۴۲	۰/۰۴۵	۰/۰۸	سطح معناداری		
-۱/۰۱	-۰/۱۰۸	۰/۱۲۱(*)	-۰/۰۴	همبستگی پیرسون	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی	
۰/۱۱۶	۰/۰۸۹	۰/۰۵	۰/۰۵۳	سطح معناداری		
۰/۰۵۶	۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۶۳	همبستگی پیرسون	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی	لار
۰/۳۶	۰/۰۹۰۲	۰/۰۵۹۲	۰/۳۰	سطح معناداری		
۰/۲۷۴- (**)	۰/۰۱۱	۰/۱۶۲- (**)	۰/۳۳۴- (**)	همبستگی پیرسون	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی	
۰/۰۰۰	۰/۰۸۵۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	سطح معناداری		

طبق جدول (۵) گرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی رابطه مثبتی با تمام ابعاد ارزش‌های مذهبی داشته است، اما این روابط معنادار نیست. میزان استفاده از وسایل ارتباط خارجی رابطه معنادار و معکوس با ارزش‌های مذهبی در کل، بعد جمعی رفتارهای مذهبی و بعد فردی رفتارهای مذهبی در لار داشته است. یعنی با افزایش استفاده از این رسانه‌ها ارزش‌های مذهبی کاهش یافته است. در جهرم این تأثیر فقط در بعد فردی رفتارهای مذهبی مشاهده می‌شود و در سایر ابعاد رابطه معناداری وجود ندارد گرچه در تمام ابعاد با افزایش استفاده از وسایل ارتباط خارجی از ارزش‌های مذهبی افراد کاسته شده است.

اما در نهایت سؤال اساسی پژوهش این بود: از میان رسانه‌های مختلف که افراد را آماج تبلیغات خود قرار می‌دهند (داخلی و خارجی) و نوع اجتماعی شدن فرد از لحاظ مذهبی در خانواده و به‌خصوص توسط مادر کدام یک و چقدر می‌توانند تبیین‌کننده ارزش‌های مذهبی دختران خانواده باشد.



جدول ۶: مدل نهایی همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته و مجموعه ضرایب استاندارد و غیراستاندارد برای پیش‌بینی ارزش‌های مذهبی دختران در چهارم

سطح معناداری	T	ضریب استاندارد شده	ضریب استاندارد نشده		مدل
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۵/۶۱		۷/۱۳۶	۴۰/۰۹	(Constant)
۰/۰۰۰	۸/۲۶	۰/۴۶۵	۰/۰۸۲	۰/۶۷۵	بعد جمعی رفتار مذهبی مادر
۰/۰۰۱	۳/۴۲	۰/۱۹۳	/۲۱۰	/۷۲۰	اعتقادات مادر
سطح معناداری:	۴۸/۱۱	ضریب تعیین استاندارد	ضریب تعیین:	۰۵۴۰	مدل نهایی
۰/۰۰۰	F:	شده: ۰۲۸۵	۲۹۱	R	

متغیر مستقل: بعد جمعی رفتار مذهبی مادران، اعتقادات مادران

با توجه به جدول (۶) و میزان $F: 48/11$ و سطح معناداری $0/000$ مدل نهایی ما در سطح عالی معنادار است. از میان ۵ متغیر (بعد جمعی ارزش‌های مذهبی، بعد فردی ارزش‌های مذهبی و بعد اعتقادی مادر، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی و خارجی) دو متغیر بعد جمعی رفتار مذهبی مادر و بعد اعتقادی مادر با روش گام به گام^۱ وارد معادله نهایی برای تبیین ارزش‌های مذهبی دختران چهارم شده است. میزان همبستگی این دو عامل $0/54$ و حاکی از رابطه‌ای قوی بین بعد جمعی رفتار مذهبی مادر و میزان اعتقادات مادر و متغیر وابسته است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده ۲۹ درصد تغییرات در ارزش‌های مذهبی دختر توسط این دو متغیر تبیین می‌شود. بر طبق میزان بتا به ازای یک واحد افزایش در انحراف معیار بعد جمعی ارزش‌های مذهبی مادر $0/46$ در انحراف معیار ارزش‌های مذهبی دختر و به ازای یک واحد افزایش در انحراف معیار میزان اعتقادات مادر $0/19$ در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد می‌شود.

بر اساس جدول (۶) معادله گرسیون برای بررسی ارزش‌های مذهبی دختران شهر چهارم را می‌توان به شرح زیر نوشت:

(میزان اعتقادات مادر) $0/72 +$ (بعد جمعی رفتار مذهبی مادر) $0/675 + 0/09 =$ ارزش‌های مذهبی دختران شهر چهارم

جدول ۷: مدل نهایی همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته و مجموعه ضرایب استاندارد و

غیراستاندارد برای پیش‌بینی ارزش‌های مذهبی دختران لار

	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده		
	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معناداری
مدل	۶۸/۱۷۲	۴/۴۷۵		۱۵/۲۳	۰/۰۰۰
	(Constant)				
	۰/۶۲۰	۰/۱	۰/۳۴۱	۶/۱۸	۰/۰۰۰
					بعد جمعی رفتار مذهبی مادر
	-۱/۰۹۲	۰/۲۰۶	-۰/۲۹۲	-۵/۲۹	۰/۰۰۰
					میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی
	R: ۴۳۷(b)	ضریب تعیین: ۱۹۱	ضریب تعیین: ۱۸۵	F: ۳۱/۵۲	سطح معناداری: ۰/۰۰۰
			استاندارد شده: ۱۸۵		مدل نهایی

طبق جدول ۷، مدل نهایی برای تبیین ارزش‌های مذهبی دختران لار نیز با توجه به میزان F: ۳۱/۵۲ در سطح عالی معنادار است. در لار دو متغیر (بعد جمعی رفتار مذهبی مادر، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی) از بین ۵ متغیر وارد مدل نهایی شده‌اند. میزان همبستگی این دو عامل و متغیر وابسته، (۰/۴۳) حاکی از رابطه‌ای قوی است. میزان ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۱۸/۵ درصد از تغییرات در ارزش‌های مذهبی دختران توسط این دو عامل تبیین می‌شود. با توجه به میزان بتا، به‌ازای یک واحد تغییر در بعد جمعی رفتار مذهبی ۰/۲۴۱ در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد می‌شود و با یک واحد تغییر در میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی ۰/۲۹ در انحراف معیار ارزش‌های مذهبی دختران در لار تغییر ایجاد می‌شود. میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی از ارزش‌های مذهبی دختران می‌کاهد.

بر اساس جدول (۷) معادله گرسیون برای بررسی ارزش‌های مذهبی دختران شهر لار را می‌توان به شرح زیر ارائه داد:

$$Y = 68.17 + 0.62(\text{بعد جمعی رفتار مذهبی مادر}) - 1.092(\text{میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی})$$

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به روند توسعه و تغییر در جوامع و همچنین روند جهانی شدن و نفوذ انواع

رسانه‌ها در کشورهای مختلف و به‌خصوص کشور ایران جوانان و نوجوانان دستخوش یک



سری تضادها و تغییرات می‌شوند. در این مقاله با توجه به اهمیت فرایند اجتماعی شدن و تأثیر خانواده بر افکار فرد و همچنین نظریات مدرنیسم، تأثیرات وسایل ارتباطی و تضاد ارزش‌ها و پست مدرنیسم که بازگشت به آداب و رسوم مذهبی افراد را نشان می‌دهد و همچنین با توجه به نظریات اینگلهارت درباره فرامادی شدن جوانان، ارزش‌های مذهبی مادران به عنوان عامل اجتماعی شدن و ارزش‌های مذهبی دختران به عنوان عامل وابسته به آن بررسی شد. ارزش‌های مذهبی افراد طبق بررسی‌ها و مصاحبه با برخی عالمان مذهبی به سه قسمت رفتار مذهبی فردی، جمعی و اعتقادات، تقسیم شد. جامعه‌آماری این پژوهش ۱۰۶۰ نفر از دختران دبیرستانی و مادران آن‌ها در شهرهای لار و جهرم بوده و در نهایت ۵۲۰ پرسشنامه در جهرم و ۵۴۰ پرسشنامه در لار توزیع شد. نتایج حاکی از آن بود که طبق نظر مید و تأکید بر تأثیر خانواده در روند اجتماعی شدن فرزندان و تقلید و شبیه‌سازی افراد با مادران خود، رابطه قوی و مثبتی بین ارزش‌های مذهبی مادران و دختران وجود داشت. یعنی هر چه مادر مذهبی‌تر باشد دختر نیز مذهبی‌تر بود.

در ارتباط با این امر که آیا تفاوتی بین ارزش‌های مذهبی مادران و دختران وجود دارد یا خیر؟ نتایج حاکی از آن است که در کل ارزش‌های مذهبی مادران و دختران تفاوت معناداری با هم داشت. اصلی‌ترین تفاوت مادران و دختران در بعد جمعی رفتار مذهبی دیده شد. در همه ابعاد دختران جهرمی نسبت به لاری‌ها مذهبی‌تر بودند. البته، این تفاوت در بعد اعتقادات مذهبی معنادار نبود و در این بعد مادران و دختران تفاوت چشمگیری با هم نداشتند.

تفاوت ارزش‌های مذهبی دختران و مادران در لار بیش‌تر از جهرم بود. این تفاوت در لار در زمینه‌های ارزش‌های مذهبی به طور کلی، بعد جمعی و فردی رفتار مذهبی معنادار بود، اما در جهرم در زمینه بعد فردی رفتار مذهبی تفاوت بسیار کمتری میان مادران و دختران وجود دارد و این تفاوت معنادار نبود، ولی در ارتباط با ارزش‌های مذهبی به طور کلی و بعد جمعی رفتار مذهبی معنادار بود. این نتایج تقریباً با نتایج محسنی (۱۳۷۹) در بررسی رفتار مذهبی افراد همخوانی داشت، او نیز اشاره کرده بود، بعد جمعی رفتار مذهبی با سن رابطه مثبت و معناداری دارد. یعنی با افزایش سن، افراد بیش‌تر به این امور علاقه‌مند می‌شوند. نتایج اسمیت (۲۰۰۴) در ارتباط با فقدان علاقه جوانان در برنامه‌هایی مانند کلیسا رفتن نیز با نتایج این مقاله همسویی دارد.

در بعد اعتقادات مذهبی مادران و دختران تفاوت چشمگیری با هم نداشتند، این نتایج را در کشورهای دیگر، که دین در زندگی افراد اهمیت حاشیه‌ای دارد، نیز می‌توان مشاهده کرد. سگالن (۱۳۷۰) چنین استدلال می‌کند که میان فرزندان و والدین بر سر موضوعات خاص و نه چندان مهم اختلاف نظر وجود دارد، ولی بر سر مسائل اساسی اشتراک نظر دیده می‌شود. همیلتون (۲۰۰۴) بیان می‌دارد در نظر خواهی از مردم مبنی بر این‌که آیا به خدا ایمان دارند یا نه؟، اکثر افراد جواب مثبت داده‌اند (همیلتون، ۲۰۰۴)؛ البته، اسمیت (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که جوانان امروزه به اموری مانند تعلق داشتن به مذهب یا عقیده خاص علاقه کمتری دارند. جوانان در مقایسه با بزرگترها به طور کلی نسبت به جامعه و بالاخص نسبت به مردم بدبین‌تر هستند.

از سویی دیگر در جامعه جهانی استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی می‌تواند تأثیرات جالب توجهی در عقاید و رفتارهای مذهبی افراد داشته باشد. میزان استفاده از وسایل ارتباطی داخلی تأثیر معنادار و مثبتی بر اعتقادات دختران داشت و آن‌ها را معتقدتر کرده است، با توجه به برنامه‌های زیاد رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و کتب مختلف مذهبی مخصوصاً در دوره‌های آموزشی این نتیجه جالب توجه است. گرچه میزان استفاده از رسانه‌های داخلی افزایش ارزش‌های مذهبی فردی دختران را باعث شده، اما این رابطه معنادار نبود. در لار شیوع استفاده از رسانه‌های خارجی بیش‌تر بوده و در ابعاد مختلف کاهش ارزش‌های مذهبی دختران را باعث شده و آن‌ها را در تقابل با مادران خود قرار داده است. البته، این تأثیر در جهرم در بعد فردی رفتار مذهبی وجود دارد که چندان جالب توجه نیست. این نتیجه با نتایج رفیع پور (۱۳۷۹) همخوانی دارد، او بیان می‌کند که با ورود ویدئو به منازل از میزان روزه و نماز خواندن افراد کاسته شده است.

ظهور پدیده‌های متنوع اجتماعی در دو شهر مشاهده می‌شود، اما یکی از ویژگی‌هایی که به طور چشمگیری در لار وجود دارد، شیوع مهاجرت خارجی سرپرست خانوار و گاهی مهاجرت‌های خانوادگی است که به عنوان تغییر دهنده محیط اجتماعی می‌تواند در داد و ستد فرهنگی تغییرات ارزش‌های مذهبی بیشتری را باعث شده باشد و خود این عامل لزوم و گسترش استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی را نشان می‌دهد.

دو عامل بعد جمعی رفتار مذهبی و میزان اعتقادات مادران ۲۹ درصد تغییرات در



ارزش‌های مذهبی دختران را پیش‌بینی کرده است. و این حاکی از اهمیت روند اجتماعی شدن و تأثیر خانواده و به‌خصوص مادران بر دختران خود در شهر جهرم است. بنابراین، در این شهر با وجود گسترش زیاد وسایل ارتباطی باز هم نحوهٔ اجتماعی شدن در خانواده عامل تعیین‌کنندهٔ ارزش‌های مذهبی دختران است و مادران مذهبی‌تر دختران مذهبی‌تر تربیت می‌کنند که این با مدرنیته بازانديشانهٔ امروزی هماهنگی بیشتری دارد.

در ارتباط با شهر لار بعد جمعی رفتار مذهبی مادران هم‌چنان اهمیت خود را حفظ کرده و افزایش ارزش‌های مذهبی دختران را باعث شده، اما یک عامل کاهنده، یعنی میزان استفاده از وسایل ارتباطی این اثر را کاهش داده و در کل دو متغیر ۱۸/۵ درصد از تغییرات در ارزش‌های مذهبی دختران لار را پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین، استفاده از رسانه‌های خارجی از یک سو از ارزش‌های مذهبی دختران لار کاسته و از طرف دیگر تفاوت و تقابل آن‌ها را با مادران آن‌ها زیادتر کرده بود.

درکل برای تقویت ارزش‌های مذهبی فرد در بعد اعتقادی می‌توان از رسانه‌های داخلی و ارتقاء برنامه‌های آن استفاده کرد، اما از رسانه‌های خارجی نیز نباید غافل بود و سطح رفتار جمعی مذهبی را نیز با آموزش زنان (مادران) بالاتر برد. با وجود استفاده از وسایل ارتباطی و تأثیرات همه‌جانبهٔ آن هنوز نیز خانواده و به‌خصوص مادران در این دو شهر به عنوان عامل تعیین‌کننده در اجتماعی کردن فرزندان (دختران) دخالت داشتند. تا چه زمان این مقاومت می‌تواند وجود داشته باشد و زنان می‌توانند هم‌چنان به نقش خود ادامه دهند؟ جواب این پرسش به برنامه‌ها و تقویت‌های کلان اجتماعی برمی‌گردد که آیا با تأکید بر خانواده در اسلام و اختصاص بودجه کافی برای تقویت آن کوشش می‌شود، یا آن را به امان خدا رها می‌کنیم و وقت و انرژی و پول خود را مصروف رقابت‌های بی‌ثمری می‌کنیم که انحطاط فرهنگی ما را شتاب می‌بخشد. آنگاه تا به خود آیم لار و جهرم هم تهران و شیراز دیگری است (مقدس و خواجه نوری، ۱۳۸۳) که در این شهرهای بزرگ مرجعیت والدین رو به زوال است.

منابع

احمدی، حبیب و بیتا شقایق، (۱۳۸۳). جنسیت و روان شناسی اجتماعی. شیراز: نوید.

آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۳). « جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزش‌ها»، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی با تأکید بر جوانان، دانشگاه شیراز.

آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۰). «شکاف بین نسلی در ایران»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۴، صفحه ۵۵.

اینگلهارت، رونالد و کریستین ولز، (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.

باومن، زیگمنت، (۱۹۹۲). اشارت‌های پست مدرنیته، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.

برنهارد، شفرز، (۱۳۸۳). مبانی جامعه شناسی جوانان. ترجمه حمید الیاسی. تهران.

بزرگیان، امین، (۱۳۸۴). «شکاف نسلی یا تفاوت نسلی»، ماهنامه زمانه.

(online ..http://bashgah.Net/index.Php?.8 April 2008)

بشیریه، حسین، (۱۳۸۳). جامعه شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی). تهران: نی.

پهلوان، چنگیز، (۱۳۷۸). فرهنگ شناسی و گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: پیام امروز.

تافلر، آلوین، (۱۳۷۵). موج سوم، ترجمه ش. خوارزمی، تهران: نو.

توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم، (۱۳۸۵). «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی: بررسی و نقد رهیافت نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، سال جدید، شماره ۲۷، ص ۹۵.



- جلیلی، هادی، (۱۳۷۷). شکاف نسل‌ها، پیش و پس از انقلاب اسلامی. تهران: اداره کل دبیر خانه شورای فرهنگ عمومی معاونت پژوهشی وزارت ارشاد.
- راینگتن، ارال و مارتین وایتبرگ، (۱۳۸۶). رویکرد نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه رحمت اله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۹). توسعه و تضاد کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریترز، جورج، (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- سرای، حسن، (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، سال یکم، شماره ۲، ص ۶۰-۳۷.۱.
- سگالن، مارتین، (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخ خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: مرکزی.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۵). عصر اطلاعات، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کاشی، غلامرضا و گودرزی، محسن، (۱۳۸۳-۱۳۸۴). «نقش شکاف انداز تجربیات نسلی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۲۹۳-۲۵۱.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید). ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- لاور، رابرت. اج، (۱۳۷۳). دیدگاه‌های درباره دگرگونی اجتماعی. ترجمه کاووس سید امامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی و عبداللهی، احمد، (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی جهان سوم. شیراز:

لنسکی، گرهارد و جین لنسکی، (۱۳۷۴). سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

محسنی، منوچهر، (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.

مقدس، علی اصغر و بیژن خواجه نوری، (۱۳۸۳). جهانی شدن و هویت اجتماعی زنان، مجله مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء (س).

مقدس جعفری، محمد حسن و یعقوبی چوبری علی، (۱۳۸۵). «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت»، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲، ص ۸۹-۱۱۰.

مید، مارگارت، (۱۳۷۴). فرهنگ و تعهد مطالعه در شکاف نسل‌ها. ترجمه نعمت الله فاضلی و فهیمه سروش. تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نوروزی، فاطمه، (۱۳۸۷). "شکاف نسلی از لحاظ ارزش‌های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران (مطالعه موردی دبیرستان‌های شهر چهارم)". فصل‌نامه پیک نور، سال هشتم، شماره اول.

ویلم، ژان پل، (۱۳۷۷). جامعه شناسی ادیان. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: تبیان.

Ashley, David, (1995). *Sociological Theory: Classical Statement, Massachusetts: Allyn and Bocom.*

Giddens, A., (1990) *The Consequences of Modernity.* Stanford: Stanford University Press.

Hamilton, Malcolom (2004). "Secularization? Now you see it, now you don't," *Sociology Introductory*, Readings Revised Edition by Anthony Giddens, USA : Oxford .

Ingrehart, Ronald ,(1990). *Cultural shift in advanced industrial society*, New Jersey: Princeton University Press.

Ingrehart, R., (1997). *Modernization and postmodernization*, New Jersey: Princeton University Press.

Ingrehart, R; Basanez, M;&Moreno, A. (2004). *Human beliefs and values*, Mexico: Siglo XXI.



- Luckmann, Thomas, (1991). "The new and old in religion", Social Theory for a Changing Society, eds. Pierre Bourdieu and J. Coleman, Boulder: Westview.
- Prasad, Ramaa, (1992). *Generation gap, a sociological study of inter-generational conflicts*, New Delhi: K.M. Rai Mittal for Mittal publication.
- Smith, Tom W, (2004). "The generation gap revisited." *Network on transitions to adulthood and policy brief*, issue 6, Department of sociology: Philadelphia.
- Smith, Hilary,(2002) " The generation gap: Managing technology- mediated personal social networks." chimera, institute for socio- technical innovation and research, Number: 2002-2, September (<http://www.essex.ac.uk/chimera/publications.htm>)

Archive of SID

نویسندگان

moqadas@shirazu.ac.ir

دکتر علی اصغر مقدس

دانشیار دانشگاه شیراز (رشته جامعه‌شناسی)

دکتری از دانشگاه تربیت مدرس

متخصص در حوزه‌های نابرابری و طبقات اجتماعی و مترجم کتاب تفکر نظریاتی در جامعه‌شناسی. ۲۵ مقاله داخلی و خارجی در نشریات داخلی و خارجی و مقالات زیادی در همایش‌ها چاپ کرده‌اند.

fatemeh_nowrouzi@yahoo.com

فاطمه نوروزی

مربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵

کارشناسی ارشد جمعیت و توسعه از دانشگاه شیراز ۱۳۸۴

تعداد مقالات: ۶ مقاله در ارتباط با زنان، مهاجرت، فرهنگ عامه در مجلات و همایش‌ها

Archive of SID